

مدیریت اسلامی در ایران: بسترها و پیدایش

حسن عابدی جعفری*

علیرضا سبزیکار**

چکیده

شمار منابعی که تاکنون به بحث درباره مطالعات اسلامی مدیریت پرداخته و در این میان به مطالب مختلف و رویکردهای گوناگون اشاره داشته‌اند، از هزار می‌گذرد، ولی به نظر می‌رسد سیر تکوین این رویکرد هنوز ناگفته باقی مانده است. هدف این مقاله تبیین چگونگی این سیر در جمهوری اسلامی ایران است. بدین منظور، این تطور به چهار دوره یا دهه مشخص تقسیم شده و تحولات هر یک از این ادوار در قالب یک مقاله عرضه شده است.

در نخستین قسمت از این مقالات، بسترها و چگونگی پیدایش این پدیده بررسی شده است. هدف این مقاله ترسیم فرایند پدیدایی و زمینه‌های ظهور آن است. روش مورد استفاده نوعی فراتحلیل و قلمرو تحقیق دهه اول انقلاب است. جامعه آماری مورد مطالعه نیز همه منابع موجود مدیریت اسلامی در این دوره است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که در این دهه، نطفه مدیریت اسلامی در ایران بسته شده، متولد شده و مرحله نوزادی خود را پشت سر گذاشته است. همچنین، پژوهش‌ها نشان می‌دهند که به‌رغم دستاوردهای آغازینی که در این سیر به دست آمده‌اند، هنوز چالش‌های چندی در پیش روی است؛ به‌ویژه، دستاوردهای آن در حوزه عمل، و به‌خصوص در حیطه نظامی چشمگیر بوده؛ ولی در قلمرو نظر، راه طولانی‌تری برای پیمودن در پیش دارد.

واژه‌های کلیدی: مدیریت اسلامی، ایران، سیر تکوین، چالش‌ها، دستاوردها

۱. کلیات

الف) پیش فرض

اگرچه مناقشه بر سر امکان‌پذیری، وجود داشتن یا نداشتن وجود مدیریت اسلامی به عنوان یک علم دینی، همچنان میان فیلسوفان علم در جریان است؛ ولی هم در ایران و هم در دیگر کشورهای اسلامی، شتاب فزاینده و روزافزونی در مطالعات اسلامی مدیریت مشاهده می‌شود. این خیل عظیم محققان از مرحله بحث بر سر بود و نبود این پدیده گذر کرده و در برهه نظریه پردازی و چگونگی تحقق آن سیر می‌کنند. همه ساله نشست‌ها و هم‌اندیشی‌های بسیاری در این زمینه برگزار می‌شوند و ابعاد گوناگون این پدیده را به نقد می‌کشند. مقاله حاضر با این پیش فرض که مدیریت اسلامی امری تحقق یافته است، سیر تکوین این پدیده را در ایران اسلامی بررسی کرده و مذاقه فلسفی آن را به فیلسوفان علم وامی‌گذارد.

ب) مقدمه

به‌رغم همه توفیق‌هایی که در سه دهه اخیر نصیب کشور ما شده، هنوز مدیریت در این سرزمین رنجور و تا حدی نیز مهجور است. این رنجوری و مهجوری دست کم زائیده چند عارضه اصلی است که به شدت نیازمند جبران و درمان هستند تا مدیریت، به مدیریتی در تراز ارزش‌های جمهوری اسلامی نائل آید. این عارضه‌ها، مانند گسل‌های زمین‌شناختی، شکاف‌ها یا گسست‌های اساسی چندی را در مدیریت کشور پدید آورده‌اند که عمده‌ترین آنها بدین شرح‌اند:

۱. گسست میان دانش موجود مدیریت در کشور با تراز این علم در عرصه جهانی؛
۲. گسست میان دانش مدیریت موجود در کشور با ارزش‌های بومی فرهنگی تراز مکتب؛
۳. گسست میان دانش مدیریت موجود در کشور و دستاوردهای بومی فرهنگی ارزشی تراز مکتب از یک‌سو، و با مدیریت کشور ما در اجرا، از سوی دیگر.

جبران گسست اول به منظور شناخت و درک درست در راستای بومی‌سازی و تکرار نشدن تجربه‌های دیگران ضروری بوده، چه بسا حکمتی باشد که بی‌تاب رسیدن به مؤمنان است.^۱ درمان گسست دوم، موضوع این مقاله است که در حد بضاعت بدان پرداخته خواهد شد؛ نیاز به ترمیم گسست سوم، که کم‌ترین بذل عنایت بدان صورت می‌گیرد و بیشترین صدمه از این ناحیه به مدیریت در کشور ما وارد می‌شود، شکاف میان علم و عمل، نظریه و اجرا و فاصله میان عرش و فرش است که مهجوری مدیریت در این عرصه بیداد می‌کند.

۱. نهج البلاغه، حکمت ۷۹.

پر کردن این شکاف، تلاشی از جنس تحول بنیادین نگرش، و جهاد علمی سترگی می‌طلبید که اندیشمندان مدیریت در جای خود باید به تفصیل بدان بپردازند.

این مقاله بر آن است تا اشاراتی به گسست دوم، یعنی شکاف میان دانش مدیریت کشور با ارزش‌های بومی فرهنگی تراز مکتب و چگونگی وقوع این گسست داشته باشد.

پانزده سال پیش، در زمستان سال ۱۳۷۷ نخستین تلاش جامع در این زمینه در قالب انتشار ویژه‌نامه شماره ۲۸ فصلنامه مصباح صورت گرفت (عابدی جعفری و همکاران، ج ۱، ۱۳۷۷) و پیش از آن نیز مقالاتی چند به بررسی این شکاف پرداختند (همان، ۱۳۷۵) اما اینک پس از گذشت این مدت طولانی، نیازمند مروری تازه بر دستاوردهای این حوزه هستیم؛ چرا که از آن زمان تاکنون، تحولات جدیدی رُخ داده، امیدهای تازه‌ای برانگیخته شده و طبعاً برخی کاستی‌های جدید هم پدید آمده‌اند.

در این نوشتار سعی شده است با مراجعه به دانشگاه‌ها، کتابخانه‌ها و پایگاه‌های اطلاعاتی، اطلاعات مربوط به تمام کتاب‌ها، مقالات، پایان‌نامه‌ها و جزوه‌های (منتشر نشده) که در دهه اول انقلاب اسلامی به زبان فارسی تهیه شده بودند، جمع‌آوری شده و از ابعاد مختلف بررسی شوند. موضوعات و نقاط کانونی مطالعات، ناشر و پدیدآورندگان آثار، قالب آثار و منابع مورد استناد از جمله جنبه‌های مورد بررسی هستند. نتایج بررسی نیز در سه بخش تحت عناوین: دستاوردها، چالش‌ها و رهیافت‌ها ارائه شده‌اند.

منظور از «مدیریت اسلامی» در این نوشتار، فارغ از مباحث نظری پیرامون علم اسلامی، مجموعه تلاش‌ها و دستاوردهای عملی و نظری است که برای اداره امور و انجام سایر شؤون مدیریت براساس ارزش‌ها و مبانی آموزه‌های اسلامی صورت می‌پذیرد. این تحقیق و در این مقام، بنا بر ارزش‌گذاری این دستاوردها و آثار نیست و صرف تلاش‌هایی که پس از انقلاب اسلامی شکل گرفته‌اند به عنوان «مدیریت اسلامی» تلقی شده‌اند.

۲. سیر تکامل مدیریت

الف) مدیریت در مغرب

فراموش نکرده‌ایم که تولد و توسعه مدیریت در مغرب‌زمین، پس از وقوع انقلاب صنعتی،^۱ در بستر نوزایی^۲ و روشنگری^۳ که با پذیرش فلسفه تحقق‌گرایی^۴ (پوزیتیویسم) همراه بود، آغاز شد و در کنار دیگر پیش‌فرض‌های این فلسفه، جدایی دانش از ارزش،^۵ از جمله

1. industrial revolution

2. renaissance

3. enlightenment

4. positivism

5. The separation of science from values

پیش فرض‌های پذیرفته شده این دوران به شمار می‌آید. آنجا که امثال کانت و هیوم، فلسفه، اخلاق، زیبایی‌شناسی و معرفت دینی را بیرون از قلمرو «دانش» اعلام کرده و روش حصول دانش را صرفاً از طریق آزمایش و تجربه اعلام کردند (هارتناک، ۱۳۷۶).

اگرچه طلوع علم مدیریت، به نسبت دیگر دانش‌ها، مانند علوم طبیعی و حتی انسانی، بسیار متأخرتر صورت گرفت و این دانش هنگامی ظهور و بروز عینی یافت که سیطره علوم طبیعی کاملاً فراگیر شده و علوم انسانی پیشتاز مانند جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، سیاست، اقتصاد و حقوق بسیار دامن‌گستر شده و مراحل قابل ملاحظه‌ای از چرخه عمر خود را طی کرده بودند؛ اما مدیریت، به عنوان یک علم جوان، کاربردی و کارگشا، با پای نهادن بر شانه دیگر علوم انسانی پیش‌کسوت و بهره‌برداری از دستاوردهای آنها، به نحوی حیرت‌انگیز، در جامعه پس از انقلاب صنعتی که جامعه‌ای سازمانی شده بود، ظاهر گشت. درحقیقت و به‌ویژه با ورود به قرن بیستم، هرچه بر درجه سازمانی شدن جامعه و فاصله گرفتن از زندگی فردی افزوده می‌شد، نیاز جامعه به دانش مدیریت هم افزوده‌تر می‌گردید.

مغرب‌زمین این شاخه از دانش را به عنوان نوشداروی گسست میان علم و عمل خود تلقی کرده و پیوند میان هدف‌های مطلوب خود با واقعیت‌های عینی مورد نظر را از رهگذر استفاده از این دانش دنبال نمود. درواقع، دانش مدیریت به منزله سازوکار و تکنولوژی ایجاد تغییر، آن هم تغییر برنامه‌ریزی شده و ابزار تحقق هدف‌های جامعه در سازمان‌ها، در همه ابعاد و اضلاع جامعه، سخت با استقبال مواجه شد. دستاوردهای مدیریتی هر بخش، به سرعت به دیگر بخش‌ها انتقال یافت و دیری نپایید که گنجینه عظیمی از ذخیره‌های تجربی و نظری را به وجود آورد و در طول کمتر از یک سده، مدیریت را به عنوان یکی از پیشرفته‌ترین، پویاترین و با نشاط‌ترین دانش‌های عصر درآورد.

شاخه‌های گوناگون این علم، برحسب تنوع کاربرد آن در سازمان‌های متعدد، در بخش‌های مختلف جامعه، یکی پس از دیگری، رشد یافت و مدیریت را به شاخه‌های صنعتی، بازرگانی، دولتی، آموزشی، بیمارستانی و ده‌ها شاخه دیگر تقسیم کرد. کوتاه سخن اینکه، هیچ کجا گونه خاصی از سازمان نبود که نوع ویژه‌ای از مدیریت را ایجاب نکند؛ از این رو، تعداد شاخه‌های مدیریت امروزه به حد تنوع سازمان‌ها و گویی فراتر از حد شمار بالغ گردیده است.

در فرایند رشد مدیریت، و در یک مقطع زمانی خاص تنوع مکاتب این علم چنان گسترش یافت که به تعبیری، جنگلی از تئوری‌های مدیریت را پدید آورد و این واقعه در آن

دوره با انتقاد صاحب نظران این رشته مواجه شد (کنتز،^۱ ۱۹۶۱) و هم و غم بیشتر اندیشمندان مدیریت، چگونگی برون رفت از این جنگل تنوری ها شد. با وقوع جنگ های اروپایی جهانی اول و دوم که گسست میان مطلوب ها و موجودها در کشورهای آسیب دیده از جنگ بیش از هر زمان دیگر گسترده گردید، زمینه هنرنمایی بیشتر دانش مدیریت و به ویژه انتقال و صدور این دانش به فراتر از مرزهای کشورهای تولیدکننده آن علم، یعنی دو سوی کناره های اقیانوس آرام، فراهم آمد و بستر ساز صدور این دانش به کشورهای گوناگون جهان شد. تصویب اصل چهارم، ترومن^۲ نیز پشتوانه ای برای تقویت این فرایند شد. خروج علم مدیریت از بستر زایش فرهنگی خویش و ورود آن به سرزمین ها و فرهنگ های جدید چالش های تازه ای را پیش پای این دانش جوان قرار داد. چرا که هم، طرف صادرکننده دانش و شرکت هایی که این زمینه های فرهنگی ناآشنای تازه را تجربه می کردند و هم کشورهای دریافت کننده این دانش که با ارزش های ناآشنای این میهمانان تازه وارد، روبه رو می شدند؛ چالش های ناشناخته ای را پدید آوردند که معضلات آن هنوز گریبانگیر هر دو سوی ماجراست.

ب) تحول مدیریت در ایران

۱. بسترها و زمینه ها

این نهضت و موج مدیریتی برخاسته از غرب، تقریباً مقارن همین ایام به کشور ما هم رسید. در سال ۱۳۳۷ش، برای نخستین بار، کتابی با نام اصول فن اداره^۳ از هانری فایول^۴ به زبان فارسی ترجمه شد.

پس از آن در دهه ۱۳۴۰، همگام با آغاز توسعه کارخانه ها و به دنبال آن شرکت های بازرگانی، خدماتی و اداری بود که ایرانیان را آرام آرام، اما به طور جدی، با مسئله ای به نام مدیریت نوین مواجه می ساخت. برنامه های چندساله (۷ و ۵ ساله) توسعه کشور نیز به گسترش این روند کمک کرد. تدوین قانون استخدامی کشوری، قوانین مرتبط با مدیریت های دولتی، بازرگانی و صنعتی و نیز ایجاد ساختارهای نوین مدیریتی در کشور، در همین ایام آغاز شد.

1. Koontz

۲. هری ترومن، رئیس جمهور آمریکا (۱۹۴۵-۱۹۵۲) در ۳۰ دی ماه ۱۳۲۷ش، مصادف با ۲۰ ژانویه ۱۹۴۹م، در پیام خود به کنگره، ضمن اعلام اصول گوناگونی در سیاست اقتصادی خود، اصل چهارم آن را به اعطای کمک های فنی به کشورهای عقب مانده جهان سوم اختصاص داد. لایحه های مربوط به آن در سال ۱۹۵۰م، تسلیم کنگره و تصویب شد. وابسته سازی کشورهای جهان سوم به آمریکا و جلوگیری از تمایل آنان به سمت بلوک شرق در زمان جنگ سرد از اهداف این قانون است (قرشی، ۱۳۸۷).

3. *Administrative Functions*

4. Henry Fayol

به منظور پاسخگویی به این موج جهانی و پیامدهای تأثیر آن در کشور، برای هر یک از موارد ذیل، نهادهای تازه‌ای بدین شرح بنیان گذاشته شد:

۱. برای طرح‌ریزی برنامه‌های توسعه بلندمدت، «سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور»؛
۲. برای هدایت مدیریت در قلمرو صنعت، «سازمان مدیریت صنعتی ایران»؛
۳. برای ساماندهی امور اداری بخش دولتی، «سازمان امور اداری و استخدامی کشور»؛
۴. برای تربیت مدیران آینده در آموزش عالی، «دانشکده حقوق دانشگاه تهران» که در آن ایام، میزبان تربیت مدیران در سطح آموزش عالی کشور هم بود؛
۵. و با هدف تربیت فرماندهان نظامی تراز آن فرهنگ، «سازمان کنترل ارتش».

هر یک از این سامانه‌ها مسئول تنظیم مقررات مدیریتی و نهادسازی لازم در قلمرو خود شده و تربیت مدیران آن حوزه را به عهده گرفتند.

بدین ترتیب، مشاوران آمریکایی، با حضور خود در این سازمان‌ها، عملاً سکان هدایت و راهبری مدیریت کشور را به صورتی برنامه‌ریزی شده و در همه ارکان مدیریتی کشور در دست گرفتند.

افزایش غیر منتظره درآمدهای نفتی کشور در اوایل دهه ۱۳۵۰، چگونگی هزینه کردن این درآمدهای پیش‌بینی نشده را در رأس چالش‌های مدیریتی کشور قرار داد. بلندپروازی‌های شاهانه، افزایش درآمدهای چشمگیر نفتی، و آزمندی مشاوران خارجی برای بلعیدن سهم هرچه بیشتر از این درآمدها، شرایط جدیدی را به وجود آورد که در هیچ یک از برهه‌های تاریخ کشور ما در گذشته سابقه نداشت.

در این دهه، بیش از هر دوره دیگر، شاهد گسترش مدارس عالی (مدیریت) بازرگانی در کشور هستیم؛ در تهران، رشت، کرمان، قزوین و... نیروهایی باید برای اداره سازمان‌هایی که به تازگی راه‌اندازی شده بودند، تربیت می‌شدند.

محتوای درسی همه این آموزش‌ها را اقلام صادراتی مدیریتی این جریان عمومی جهانی مدیریت تأمین می‌کرد. به علاوه، برای جبران کمبود این ظرفیت داخلی، اعزام دانشجویان فارغ‌التحصیل کارشناسی برای تحصیل سطوح کارشناسی ارشد و دکتری به کشورهای غربی مبدأ نیز مورد توجه قرار گرفت.

افزون بر آن، ایجاد شعبه‌ای از دانشگاه، هاروارد^۱ در ایران، در محل فعلی دانشگاه امام صادق(ع)، منابع، مدرسان و فرهنگ تربیت مدیر غربی را تا قلب پایتخت رسوخ داد، جایی

1. Harvard business school

که فارغ‌التحصیلان برگزیده کارشناسی مدارس عالی و دانشکده‌های ایجادشده در کشور، از طریق آزمون‌های مربوط برای یک دوره یازده‌ماهه شبانه‌روزی در آن حضور پیدا می‌کردند و پس از کسب موفقیت، برای ادامه تحصیل در مقطع دکتری به کشور مادر، اعزام می‌شدند. تأمین هزینه‌های این مراکز نیز با توجه به پیش‌بینی تربیت مدیر برای مراکز صنعتی و تجاری کشور، از محل درآمدهای نفتی و مشارکت سرمایه‌گذاران داخلی و صاحبان این سازمان‌های خصوصی صورت می‌گرفت.

بدین ترتیب، حضور مشاوران و کارکنان غربی به‌ویژه آمریکایی در سازمان‌های ایرانی بسیار پررنگ‌تر از همیشه شد و از سوی رژیم پهلوی به عنوان ارزش‌های برتر و ایدئال در جامعه مدیریتی کشور معرفی گردید.

بیان این گزارش هرگز به این معنی نیست که افراد سلیم، وطن‌دوست و ارزش‌مدار در لایه‌لایه این ساختارها، با انگیزه‌های الهی و میهن‌دوستانه حضور نداشتند، ولی روشن است که سیطره غالب با دوستداران، مشتاقان و مروجان فرهنگ غرب در سطوح مختلف مدیریتی کشور بود و تعرض به فرهنگ دینی کشور، به عنوان مانعی بر سر راه چنین توسعه‌ای، نیز همه‌جا در رأس برنامه‌های این جریان غالب قرار داشت.

برجسته‌ترین ویژگی این دوره از مدیریت کشور، «تعارض ارزش‌ها»^۱ است، تعارضی میان ارزش‌های بومی و سیل هجوم ارزش‌های غربی که روشن‌اندیشان زمان، از حوزه و دانشگاه، در مقابل آن قد برافراشتند و مطالب گوناگونی به نگارش درآوردند.

همین «رویاری ارزش‌ها»^۲ بود که باعث شد تا تنی چند از مشتاقان مدیریتی کشور در همان دوره، تعلق خاطر خود را به ارزش‌های دینی کشورشان آشکار کرده و با مراجعه به متون دینی، مواردی از قبیل رویکرد مدیریتی نهج‌البلاغه را موضوع تحقیق قرار دهند (مظفریان، ۱۳۵۴). این انتخاب‌ها به علاقه‌مندان مدیریت داخل کشور محدود نمی‌شد و شماری از دانشجویان مدیریت خارج از کشور نیز عنوان پایان‌نامه‌های خود را «رویکرد اسلامی مدیریت» برگزیدند (الوانی، ۱۳۶۱).

صحن دانشگاه‌ها نیز با دعوت‌های دانشجویان ارزش‌مدار مدیریتی از استادان حوزه و دانشگاه، در تلاش برای واکاوی زوایای ارزشی مدیریت مبتنی بر مکتب، فارغ از این رویاری ارزش‌ها نبود. بی‌سبب نیست که نقطه آغازین رویکرد اسلامی مدیریت، در کشور ما به همین دوره تعلق دارد. برای نمونه، سخنرانی تاریخی استاد شهید مرتضی مطهری در سال ۱۳۵۸ش،

1. value conflict

2. value confrontation

در مدرسه عالی مدیریت بازرگانی کرمان، با عنوان «رهبری و مدیریت در اسلام» از بارزترین نمونه‌های مقاومت در برابر این ارزش‌زدایی دینی از میراث مدیریتی کشور ماست. برداشتن این گام‌های نخست را باید «دوره انعقاد نطفه مدیریت اسلامی»^۱ در دوران معاصر نامید.

۲. مدیریت و بارقه‌های انقلاب

نیمه دوم دهه ۱۳۵۰ با نیمه اول این دهه تفاوت ماهوی پیدا کرد. کم‌کم رویارویی ارزش‌ها در جامعه به‌طور عام و در قلمرو مدیریت به‌طور خاص، به برکت نهضت اسلامی، به جانب کفه ارزشی ارزشمندان اسلامی چربید و در ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷ ش، با وقوع انقلاب اسلامی، به برکت حضور مردم و رهبری بی‌بدیل حضرت امام خمینی (ره)، صفحه جدیدی در تاریخ چند هزارساله کشور و در عرصه مدیریت این مرز و بوم گشوده شد.

حاکمانِ خاطرخواه ارزش‌های غیر اسلامی، گروه‌گروه، مناصب مدیریتی کشور را ترک کرده و به دنبال احساس خطر جدی، انبوه مشاوران مدیریتی آمریکایی^۲ نیز از کشور خارج شدند و بدین ترتیب، آغوش اداره امور کشور در همه ابعاد، اعم از سازمان‌های خصوصی و دولتی، برای مدیران دارای ارزش‌های اسلامی گشوده شد و البته آزمون بزرگی را پیش روی دستداران رویکرد اسلامی مدیریت قرار داد. از همین نقطه است که دوران رشد جنینی^۳ مدیریت با رویکردی اسلامی آغاز شد.

ج) ظهور مدیریت اسلامی^۴

۱. تمهید زمینه‌ها

- همگام با نیازهای انقلاب اسلامی، چند واقعه مهم ارزشی نیز در قلمرو مدیریت اتفاق افتاد:
۱. نهادهای ارزشی و انقلابی از دل تحولات انقلاب جوشیدند و پا گرفتند؛
 ۲. حضور روحانیان به عنوان حاملان ارزش‌های الهی در جای جای ارکان و سازمان‌های کشور، امکان دسترسی نزدیک و رجوع به منابع و ارزش‌های اسلامی را فراهم‌تر آورد؛
 ۳. اقداماتی در راستای پالایش سازمان‌های باقی‌مانده از نظام گذشته آغاز گشت؛
 ۴. در حوزه نظر، راه برای پژوهش و نگارش مطالب مدیریتی با رویکرد اسلامی باز شد و با رفع موانع، نویسندگان بیشتری عرصه را برای نگارش مقالات و کتاب‌های مدیریتی در این زمینه مناسب یافتند (سیاهپوش، ۱۳۵۸).

1. inception co management slamic

2. American management consultants

3. development management islamic of stage embryonic

4. emergence of islamic management

۵. حاکمیت تدریجی ارزش‌های اسلام، آرام‌آرام ظهور نمونه‌هایی از افراد و سازمان‌هایی را که تلاش داشتند براساس این ارزش‌ها خود را اداره کنند، فراهم ساخت. این نمونه‌ها در همه عرصه‌ها، اعم از اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، دفاعی، آموزشی و درمانی، نمود پیدا کردند و نمونه‌هایی از مدیران اسلامی را که در دوران ستم شاهی و زیر فشارهای طاقت‌فرسای قرون وسطایی آن رژیم آبدیده شده بودند، در آسمان مدیریت کشور درخشانده و جاودانه ساخت (اسوه‌هایی چون شهیدان رجایی، باهنر، چمران، عراقی و...).

۲. تولد مدیریت با رویکرد اسلامی در ایران^۱

شروع جنگ تحمیلی صدام علیه ایران، از یک دیدگاه، تغییری شگرف و پیش‌بینی‌نشده در مسیر انقلاب اسلامی پدید آورده و آرایش صحنه مدیریت اسلامی را در کشور تغییر داد. این جنگ، چند تغییر اساسی در رویکرد اسلامی مدیریت پدید آورد:

۱. بخش دفاعی در میان دیگر بخش‌ها، به سرعت، محور اصلی همه فعالیت‌های کشور شد؛
۲. بخش دفاعی، عصاره سرمایه‌های انسانی ارزشمند کشور را در خود جذب کرد؛
۳. بخش دفاعی، مصرف‌کننده بخش عظیمی از منابع مادی و بودجه‌ای کشور شد؛
۴. به دلیل تحریم کشور از سوی ابرقدرت‌های وقت و محدود شدن بی‌سابقه فروش نفت، کاهش درآمدهای ارزی و افزایش هزینه‌های جنگ تحمیلی، تنگناها و مضیقه‌های جدی برای کشور فراهم آورد؛
۵. جنگ، مظهر و تجلی همبستگی ملی حول محور دفاع از ارزش‌ها و کیان اسلامی کشور شد؛
۶. دفاع مقدس، مظهر تبلور ارزش‌هایی در قلمرو مدیریت دفاعی با رویکرد اسلامی شد که جز در دوران صدر اسلام، نمونه‌ها و مصداق‌های آن را نمی‌توان سراغ گرفت. در یک کلمه، صحنه‌های جنگ، محلی شد برای ایجاد تحول اساسی و دگرگونی بنیادین افرادی که در این کوره آزمایش وارد شدند و تولید انسان‌هایی تراز اسلام، کمال یافته و رشید که تاریخ کمتر نظیر آنها را سراغ دارد (مانند شهیدان صیاد شیرازی، خرازی، بروجردی، کلاهدوز، باقری، باکری و...)
۷. طبعاً، جهت‌گیری آثار اسلامی مدیریت نیز تا حدودی رنگ و بوی دفاعی به خود گرفت و از این دوره آثار ارزشمندی در این حوزه به جای مانده است (مکارم شیرازی، ۱۳۶۹)؛

۸. خلاصه اینکه، هم در سطح خُرد (انسان‌ها)، هم در سطح میانی (سازمان‌ها) و هم در سطح کلان (نظام اداری کشور)، نمونه‌هایی از آن دوران به جا مانده است که هنوز نیازمند تحقیق و پژوهش هستند.

بی‌تردید اوج ارائه و تجلی عملی «رویکرد اسلامی مدیریت» را می‌توان دوران دفاع مقدس دانست. باید اذعان کرد که در این دوره و در چنین بستری بود که رویکرد اسلامی عملاً و در سطحی گسترده، متولد شد، و طبعاً در دوره‌های بعد رشد کرد^۱ و به بلوغ رسید؛^۲ اما رشد علمی و نظری آن هنوز نیازمند زمان و اندیشمندانی از جنس دانشگاه و حوزه بود که در دهه‌های بعد باید صورت می‌گرفت.

۳. تجزیه و تحلیل داده‌ها

۱. شکل‌گیری مدیریت اسلامی، دهه نخست انقلاب اسلامی (۱۳۵۷-۱۳۶۷)

الف) دستاوردها

۱) نقاط کانونی مطالعات^۳

در مجموع، دهه اول انقلاب اسلامی که «دوران شکل‌گیری مدیریت اسلامی» را تشکیل می‌دهد، این مطالعات کانون‌های اصلی داشتند و عبارت بوده‌اند از:

الف) نقد نارسایی‌های مدیریت قبل از انقلاب

نخستین موضوعی که توجه اندیشمندان مدیریت را در چرخش از نظام شاهنشاهی به نظام اسلامی به خود جلب کرد، نارسایی‌های مدیریتی پیش از انقلاب اسلامی بود که هم به صورت مستقل (توفیق، ۱۳۵۸) و هم در دل دیگر مقالات مربوط به مدیریت پس از انقلاب اسلامی، خودنمایی می‌کرد.

ب) ضرورت انتقال به شیوه‌های اسلامی مدیریت

بلافاصله پس از وقوع انقلاب اسلامی، دغدغه اندیشمندان مدیریت را ضرورت انتقال از شیوه‌های مدیریت نظام گذشته به شیوه‌های اسلامی پس از انقلاب تشکیل می‌داد که با درج این مقالات نگرانی خود را ابراز می‌داشتند (عادلیان، ۱۳۶۱).

1. developed

2. practical dimension maturation

3. focus of studies

ج) تبیین مختصات مدیریت پس از انقلاب اسلامی

شماری از اندیشه‌ورزان مدیریت در این دهه، در جریان معرفی مدیریت اسلامی، همت خود را صرف تبیین ویژگی‌های مدیریت و رهبری پس از انقلاب کردند (امیدی، ۱۳۵۸؛ زاهدی، ۱۳۵۸) این مقالات، در نخستین شماره‌های فصلنامه مدیریت دولتی سال ۱۳۵۸ آمده‌اند.

د) تبیین مدیریت و رهبری در اسلام

پس از عبور از مقدمات یادشده، نوبت به تبیین ماهیت و مفهوم مدیریت و رهبری در اسلام به صورت عام رسیده بود و شماری از صاحب‌نظران مدیریت، وجهه همت خود را تبیین چنین مفهومی قرار داده و به روشن ساختن این مفهوم پرداختند (سیاهپوش، ۱۳۵۸؛ باهر، ۱۳۶۱؛ رهبر، ۱۳۶۸).

در ابعاد تخصصی‌تر، محور مشخص دومی را که این تبیین به خود اختصاص داد، موضوع اخلاق مدیریت یا اخلاق کارگزاران بود. شماری از آثار این دوره اختصاصاً به روشن ساختن این موضوع پرداختند (جوادی آملی، ۱۳۶۴؛ محمدی ری‌شهری، ۱۳۶۷).

همچنین در این دوره برخی صاحب‌نظران، به طراحی دوره‌های تربیت محقق مدیریت اسلامی اقدام کردند (عابدی جعفری، ۱۳۶۷).

۲) منابع مورد استناد

منابع اصلی پژوهشگران در استخراج ویژگی‌های تبیین مفهوم مدیریت اسلامی در این دوره و قبل از آن، عبارت بوده‌اند از:

- رساله حقوق امام سجاد(ع) (سیاهپوش، ۱۳۵۸)؛
- مجموعه‌های روایی (محمدی ری‌شهری، ۱۳۶۷)؛
- منابع اخلاق (جوادی آملی، ۱۳۶۴).

۳) قالب‌های پژوهش

مهم‌ترین قالب‌هایی که تدوین مطالب مدیریت اسلامی در این دوره در قالب آنها شکل گرفت عبارت بوده‌اند از کتاب و مقاله. معدود پایان‌نامه‌هایی نیز در این دوره به نگارش درآمدند.

حدود هفتاد اثر بررسی شده در این دوره بازگوکننده ترکیب ذیل است:

- کتاب: پنجاه عنوان، یعنی بیش از ۷۰ درصد آثار منتشرشده را تشکیل می‌داد (سیاهپوش، ۱۳۵۸؛ باهر، ۱۳۶۱).

- مقاله: دوازده عنوان، و با این تعداد نسبت محدود سهم نزدیک به ۲۰ درصد را به خود اختصاص می‌داد (امیدی، ۱۳۵۸؛ زاهدی، ۱۳۵۸).
 - پایان‌نامه: شش مورد، نزدیک به ۱۰ درصد، حضوری کم‌تعداد و سهمی کوچک را دربر می‌گرفت (توفیق، ۱۳۵۸؛ صحرانورد، ۱۳۶۱).
- تعداد قابل توجه کتاب‌ها و سهم بالای آنها در میان مجموع آثار این دوره، افزون بر اینکه نشان از ظرفیت موجود برای ورود به این بحث دارد، پتانسیل بالقوه‌ای برای تولید دانش در این زمینه را در بین اندیشمندان کشور نمایان می‌سازد. همچنین به نظر می‌رسد به دلیل تغییر ساختار در آموزش عالی و انقلاب فرهنگی، مشکلات ناشی از جنگ تحمیلی و همچنین رخوت و سکون علوم انسانی در زمان طاغوت، فضا و بستر مناسبی برای پژوهش و نشر مقالات علمی فراهم نبوده است.

۴) پدیدآورندگان عمده

در این دوره مهم‌ترین پدیدآورندگان حقوقی عبارت بودند از:

- سازمان مدیریت صنعتی، هفت اثر؛
- سازمان امور اداری و استخدامی کشور، پنج اثر؛
- دانشگاه تهران، سه اثر به علاوه سه عنوان پایان‌نامه؛
- دفتر نشر فرهنگ اسلامی، سه اثر؛
- مرکز آموزش مدیریت دولتی، دو اثر به علاوه دو عنوان پایان‌نامه؛
- انتشارات و صحافی لوکس، دو اثر؛
- سازمان تبلیغات اسلامی، دو اثر؛
- مرکز نشر دانشگاهی، دو اثر؛
- دفتر انتشارات اسلامی، دو اثر.

حضور پررنگ بخش‌های دولتی که به‌طور مستقیم در اداره امور اجرایی و صنعتی کشور نقش داشتند، بیانگر این مسئله است که در همان آغاز کار نیاز به روش‌های اداره امور بر مبنای ارزش‌های اسلامی از طرف مجموعه حاکمیت و قوه مجریه احساس شده و در عمل حمایت‌های مناسبی از پژوهشگران و صاحبان اندیشه در این حوزه صورت گرفته است. همچنین ورود ارگان‌های تبلیغی دینی — در دوره‌ای که شاید امور تبلیغاتی، مراسم، فعالیت‌های رسانه‌ای و دیگر فعالیت‌ها برای تبیین اصول دینی و ارزش‌های انقلاب در مناطق مختلف کشور، که ممکن بود کمتر از این آموزه‌ها بهره‌مند باشند، بسیار خودنمایی

می‌کردند و منابع بسیاری را به خود اختصاص می‌دادند — در امر پژوهش و تألیف در زمینه مدیریت اسلامی نشان از هوشیاری این ارگان‌ها و نیازسنجی و آینده‌نگری مدیران وقت آنها دارد. در مجموع می‌توان این‌گونه برداشت کرد که باورمندی عمیقی در جهت اداره امور بر مبنای ارزش‌ها و آموزه‌های اسلامی در جامعه پس از انقلاب وجود داشته است، البته تداوم این باورمندی و موفقیت در اجرای این آرمان و خواسته، نیازمند بررسی‌های دقیق و بی‌طرفانه است.

(۵) سطح موضوعات

سطح تحلیل موضوعات عموماً کلی‌اند و به موضوعات تخصصی کمتر پرداخته شده است.

(۶) روش تحقیق

بدون پرداختن مستقیم به روش، در آثار تألیف‌شده، کم و بیش رویکردهای روش‌شناسانه مشاهده می‌شود، ولی تصریح نگردیده است.

(۷) آموزش و دوره‌ها

در این مقطع، تلاش‌های اولیه برای گنجاندن درسی با نام «مبانی مدیریت اسلامی»، در مقطع کارشناسی همه رشته‌های مدیریت، آغاز شد ولی دانشگاه‌ها هنوز در وضعیت ثبات برای توسعه جدی این بحث قرار نداشتند.

همچنین کوشش‌هایی برای ارائه درس‌هایی کم و بیش مرتبط با این محتوا، در برخی دوره‌های مقطع کارشناسی ارشد، مانند درس «رهبری تطبیقی در اسلام و دیگر مکاتب» در مقطع کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی در دانشگاه‌های قدیمی کشور، شروع شده بود. زمره‌های ایجاد دوره‌های کارشناسی ارشد این رشته در برخی دانشگاه‌های پس از انقلاب اسلامی، مانند دانشگاه امام حسین (ع) به گوش می‌رسید (عابدی جعفری، ۱۳۶۷).

(ب) چالش‌ها

اگرچه در این دهه، مدیریت عملی اسلامی، به‌ویژه در بخش دفاعی، به توفیق‌های چشمگیری نائل آمد و مدیران و فرماندهان قابل‌با استفاده از رویکرد آموزش تجربی مدیریت (و نه آموزش کلاسیک یا مدرسی) هم در ابعاد تخصصی و هم در ابعاد معنوی پرورش یافتند، ولی در حوزه نظری تلاش‌ها در حد تبیین ابتدایی ابعاد و مفهوم مدیریت اسلامی باقی ماندند.

اغلب تلاش‌های انجام‌شده، چه حقیقی و چه حقوقی، به صورت خودجوش پدید آمدند و کوشش سازمان یافته‌ای برای هدایت این تلاش‌ها به چشم نمی‌خورد و نیاز، تقاضا، یا سفارشی برای یکپارچه کردن این تلاش‌ها پدید نیامد.

به‌رغم نگارش چند پایان‌نامه پژوهشی که در این دهه به نگارش درآمدند، عمده آثار تألیف‌شده در این حوزه، جنبه توصیفی و تبیین مفهومی داشته‌اند.

بیشتر تألیفات اسلامی مدیریت در این دوره در حوزه کلان‌اداری و بعضاً بخش دفاعی متمرکز بوده و دیگر بخش‌ها از جمله اقتصادی، فرهنگی، آموزشی، صنعتی، خدماتی، از این تلاش‌ها کم‌بهره بوده‌اند.

تحلیل‌های موردی بسیار محدودی برای تبیین اسوه‌های مدیریت و سازمان‌های برتر مشاهده می‌شود.

برای اطلاع‌رسانی به علاقه‌مندان و برقراری پیوند میان پژوهشگران این حوزه، اقدامی جدی صورت نگرفته است.

تلاش‌هایی برای تدوین چشم‌انداز و ترسیم نقشه راهی برای تحقیقات آینده این حوزه ارائه نگردیده است.

ج) رهیافت‌ها

مطالعات اسلامی مدیریت در حوزه نظر در این دوره، هنوز بسیار جوان بوده و در حال نیاز به ورود یافتن به دیگر مراحل رشد خود در مسیر طولانی حیات خویش به سر می‌برد. در دهه‌های بعد تحولات دیگری در این زمینه اتفاق افتاده است که در مقالات بعد بدانها پرداخته خواهد شد.

۵. نتیجه‌گیری

آنچه نگارندگان را بر آن داشت تا سیر تکوین این پدیده را در جمهوری اسلامی واکاوی کنند همانا خلأ موجود در تحلیل چگونگی پیدایش مدیریت اسلامی در ایران در قلمرو نظر و عمل بود.

در بررسی نخستین دهه از چهار دوره ده‌ساله رشد این پدیده در ایران، که در این مقاله بررسی شد، نتایج ذیل به دست آمد:

- تشریح پیدایش بارقه‌های مدیریت اسلامی قبل از انقلاب اسلامی و در فرایند پدیدایی و انتقال مدیریت غربی به کشورهای مشرق زمین؛

- ترسیم نقش انقلاب اسلامی و رویارویی ارزش‌های غربی حاکم بر ایران قبل از آن، در تکوین مدیریت اسلامی؛
 - تحلیل بروز و ادامه جنگ تحمیلی هشت‌ساله و تأثیر آن بر تولد و ظهور عملی مدیریت اسلامی؛
 - بررسی یافته‌های نظری این دوره تحت عنوان: دستاوردها، چالش‌ها و رهیافت‌ها؛
 - توضیح دستاوردها، نقاط کانونی، منابع مورد استفاده، قالب‌های پژوهشی، پدیدآورندگان حقیقی و حقوقی این آثار، سطح موضوعی، روش‌های تحقیق و چگونگی آموزش این مطالعات.
- این یافته‌ها صحنه را برای ورود مدیریت اسلامی متولدشده در دهه اول انقلاب اسلامی در ایران، به تداوم سیر تکوین خویش در دهه‌های بعد فراهم آورد؛ دهه‌هایی که متضمن تحولات جدیدی در این راستا بودند.

منابع

- الوانی، سیدمهدی (۱۳۶۱)، نظریه‌های مدیریت از دیدگاه اسلام، پایان‌نامه دکتری، به زبان (انگلیسی) دانشگاه کالیفرنیا جنوبی.
- امیدی، تورج (بهار و تابستان ۱۳۵۸)، «مختصات مدیریت بعد از انقلاب»، مدیریت امروز، دوره جدید، ش ۳۵، ص ۴۱-۵۷.
- باهر، حسین (۱۳۶۱)، فلسفه مدیریت در اسلام، تهران: سازمان مدیریت صنعتی.
- توفیق، حسین (۱۳۵۸)، بررسی بیماری‌های اداری سازمان‌های دولتی جمهوری اسلامی قبل از انقلاب اسلامی و ارائه سیستم‌های مؤثر، پایان‌نامه فوق لیسانس، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۶۴)، اخلاق کارگزاران در حکومت اسلامی، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- رهبر، محمدتقی (۱۳۶۸)، سیاست و مدیریت از دیدگاه امام علی (ع)، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ص ۱۴۰.
- زاهدی، شمس‌السادات (بهار و تابستان ۱۳۵۸)، «چگونه می‌توان میزان فساد را کاهش داد؟»، مدیریت امروز، دوره جدید، ش ۳۵، ص ۵۹-۶۳.
- سیاهپوش، محمود (۱۳۵۸)، مبانی اداره توحیدی - مبانی سازمان در اسلام، تهران: ابجد، ص ۹۱.
- صحرانورد، علی (۱۳۶۱)، بررسی پیرامون نظام تعلیم و تربیت و آموزش کارکنان دولت از دیدگاه اسلام، پایان‌نامه فوق لیسانس، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- عابدی جعفری، حسن (۱۳۶۷)، طرح کلی دوره تربیت محقق مدیریت در اسلام، (جزوه منتشر نشده) تهران: دانشگاه امام حسین (ع)، پژوهشکده علوم انسانی.
- عابدی جعفری، حسن و غلامرضا سنگی (زمستان ۱۳۷۷)، «ویژه کتابشناسی مدیریت اسلامی»، فصلنامه مصباح، ش ۲۸، ص ۱۵۲.
- عابدی جعفری، حسن و محمد ازگلی (پاییز ۱۳۷۵)، «مروری بر تحقیقات مدیریت اسلامی در ایران»، فصلنامه مصباح، ش ۱۹، ص ۹۹-۱۲۰.
- عادلین (۱۱ آبان ۱۳۶۱)، «مدیریت باید متناسب با انقلاب اسلامی باشد»، صبح آزادگان.

قرشی، یوسف و محمد جمیری (تابستان ۱۳۸۷)، «اصل چهار ترومن در ایران»، تاریخ معاصر ایران، ش ۴۶، ص ۷۱-۱۰۲.

محمدی ری شهری، محمد (پاییز ۱۳۶۷)، «مدیریت اسلامی»، دانش مدیریت، ش ۲. مظفریان، منوچهر (۱۳۵۴)، پژوهشی در فرمان حضرت علی (ع) به مالک اشتر از دیدگاه مدیریت، شیراز: انتشارات و صحافی لوکس، ص ۱۴۸.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۶۹)، مدیریت و فرماندهی در اسلام، تهران: هدف، ص ۲۱۰. نهج البلاغه حضرت امیرالمؤمنین (ع)، ترجمه محمد دشتی، تهران: پیام عدالت، ص ۷۶۸. هارتناک، یوستوس (۱۳۷۶)، نظریه شناخت کانت، مترجم علی حقی، تهران: شرکت انتشاراتی علمی و فرهنگی.

Koontz, Harold (December 1961), "The Management Theory Jungle", *Academy of Management Journal*, vol.4, no.3, pp.174-188.